

# روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
چهارشنبه ۶ دی ۱۴۰۲ \_ ۱۳ جمادی الثاني ۱۴۴۵ \_ ۲۷ دسامبر۲۰۲۳- شماره ۲۳۲۹ \_ سال هشتم
۸ صفحه \_ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان \_
www.hamdeli.com
www.hamdeli.com
t.me/HamdeliNews
www.hamdeli@gmail.com
شعبه کفیی ۶۱۴

صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان
سر‌دبیر: جلال خوش چهره
چاپ: صمیم ۳۳۷۲۷۵ - ۴۴۵ - ۰۲۱
توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰
تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۹۸۱۲۷

## باشگاه‌های کمربند

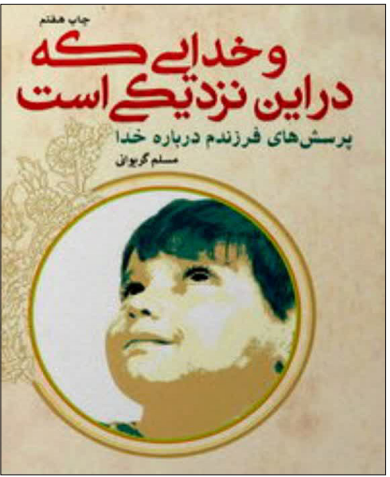
## ▲سمیه بحر کاظمی

## آرزو

دست‌هایت
چند دقیقه زودتر از خورشید
عاشق شده‌اند!
که این همه دیوانه‌اند!
چند شاخه آفتابگردان
نزدیک آمده اند؟!
نزدیک‌های بی سر
در شعرهایم
خرما می‌دهند...
نگاه کن!
تابستانی
که در کلمات جاری ست
چگونه یا
بیخ گلوی تنهایی گذاشته
شاهرگ گلوی ترس‌هایم را
بریده ...

## کتاب

### انتشار «و خدایی که در این نزدیکی است»



در دل فرزندان: انتخاب همسر صالح، مرحله انعقاد نطفه، پرورش ایمان در دوران بارداری، پرورش ایمان در دوران تولد و... و شیوه‌های پرورش ایمان کودکان و نوجوانان (معرفی لفظی خدا، معرفی عاطفی خدا به کودک و معرفی خدا از طریق حس مذهبی) را شرح داده و معرفی رفتاری و عملی خدا (نقش رفتار والدین و مربیان در ایمان کودک: استفاده از نماز و قرآن و آموزش فرهنگ دعا و نیایش) و معرفی عقلانی خدا به کودک (تقویت حسن ظن کودک و خدا و ایجاد خلاقیت فکری) را به رشته تحریر درآورده است.سومین و آخرین بخش از این کتاب با عنوان «پیوست ها: بیشتر بدانیم» مشتمل بر چهار پیوست است؛ پیوست نخست نمونه‌ای از تأثیر بزرگ‌ترها بر کودک و پیوست دوم چند نمونه از دل‌نستان‌ها در برابر خدا و کودک را بررسی می‌کند. پیوست سوم چند نمونه از اشعار را پیوست چهارم «ذهنیت خود را از خدا تغییر دهیم» نام دارد.

## حافظه تاریخی

### سالروز ترور «بی‌نظیر بوتو»



۲۷ دسامبر ۲۰۰۷ بانو بی‌نظیر بوتو سیاستمدار ۵ساله پاکستانی که مادر او ایرانی (و از خانواده حریری های اصفهان) است در پایان یک سخنرانی انتخاباتی در باغ ملی لیاقت در راولپندی و چند لحظه پس از بازگشت به خودرو جهت ترک محل و هنگامی که از سقف کسومی اتومبیل بالا آمده بود، در حال پاسخ به ابراز احساسات هوادارانش بود هدف گلوله و سپس انفجار بمب قرار گرفت و کشته شد. حدود ۶۲ سال پیش در ۱۶اکتبر ۱۹۵۱ در همین محل، لیاقت علیخان سیاستمدار – دولتمرد پاکستانی ترور شده بود و به همین مناسبت باغ ملی راولپندی را به باغ لیاقت تغییر نام داده‌اند.بی‌نظیر دختر ذوالفقار علی بوتو دو بار نخست وزیر پاکستان شده بود؛ از ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۰ و از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ و هر دو بار به دستکار وجود فساد مالی میان مقامات دولت و اعمال نفوذ بستگان در امور دولتی و خریدهای عمومی برکنار شده بود و پس از برکناری سال ۱۹۹۶ راه خود – تبعیدی در پیش گرفته بود و در انگلستان و «دوبی» زندگی می‌کرد. در جریان اتهامات وارده به بانو بی‌نظیر، انگشت عمداً به سوی شوهر او «صف علی زرداری» نشانه می رفت و به «آقای ده دردد بورس‌نات» معروف بود. در پی یک رشته تظاهرات علیه پرویز مشرف رئیس جمهور وقت که در طول سال ۲۰۰۷ به چشم می خورد، وی با بازگشتن بی‌نظیر به وطن و ازسرگرفتن فعالیت‌های سیاسی موافقت کرده بود. بی‌نظیر ۱۸ اکتبر ۲۰۰۷ به پاکستان بازگشته بود زیرا که قراربود انتخابات عمومی در ژانویه ۲۰۰۸ انجام شود. در سر راه بی‌نظیر از فرودگاه کارچی به محل اقامت، انفجاری با هدف کشتن او روی داد که باعث مرگ ده‌تا تن شد ولی به بی‌نظیر آسیبی وارد نیامد. ذوالفقار علی بوتو از طایفه بوتو (تو = پهوتو) ایالت هارپاتی هند (آریانا) است که فامیل او بعدا به ایالت سند (جنوب پاکستان) مهاجرت کردند. دولت انگلستان

## داستانک

## آزایمر



▲فیض شریفی

▲نویسنده

توی هتل کار می‌کرد. گفتیم: یک اتاق به سمت کوه دراک می‌خواهم، به یکی بگویند ساک های مرا به اتاقم ببرد.

خیلی از خودش ممنون بود، پیش خود فکر می‌کرد هر کسسی به او سلام می‌کند، عاشقش شده است.

گفت:نداریم.

– چی ندارید؟

– اتاق.

این وقت سال، اتاق ندارند، عصبانی شدم و همانجا توی سالن نشستم. به اعتراض آمد کنار من نشست، پایش را روی پایش گذاشت، روسری اش را تا روی پیشانی پایین آورد. بالابلند بود.

– برای چه به اینجا آمده ای؟

– یسک زن بالابلند مثل شما اینجا توی خانه سالمندان است، او همسر من است، آمده‌ام به او سر بزنم. شاید هم او را راضی کنیم که ...

– اشاره به گازسون کرد که چایی برایم بیارود.

–زنم آزایمر دارد ولی هنوز مرا می‌شناسد، مرا از ازل تا ابد می‌شناسد. رقتم اول پیش او، مرا با برادرم اشتباه گرفت، من اون وقتاً که با او زندگی می‌کردم موهایم کوتاه بود، الان که می‌بینی، موهایم پریشان است، فرقی است، اگر فرهایش را بگیرم، از هر خن مویم زنی روی زمین میریزد. نخندیده، سعی می‌کرد خودش را محکم نشان بدهد. بنه دفترش نگاه می‌کرد، توی دفتر انگار خطرات می‌نوشت. بدش نمی‌آمد چیزی درباره من بنویسد.

## کتابخانه

– همسرتان را هنوز دوست دارید؟

– آن روزها همه عاشقش بودند، ولی او فقط مرا دوست میداشت، دنبال من افتاده بود. از دستش عاصی شده بودم.

من هیچوقت کسی را دوست نداشته ام، من دوست دارم دوستم بدارند، البته به شرطی که خیلی مزاحمم نشسوند. من هم مثل شما دارم می‌نویسم.

– چند کتاب نوشته ای؟

– حسابش از دستم خارج شده، شاید ۸۸ یا نود تا کتاب شعر و داستان و نمایشنامه و نقد نوشته باشم.

– اوه اوه!خیلی زیاد است، من چهار تا رمان نوشته‌ام، فکر نمی‌کنید به کیفیت کارتان صدمه می‌زنید؟

– اوها و ابداء، حاشا و کلااگر من دست به کار تکراری بزنم.من تا چند کتاب نخوانم و آن‌ها را خلاصه نکتم و روی آن‌ها کار نکنم، نمی‌نویسم. داشت نام مرا توی فیسبوک دنبال می‌کرد. عکس‌های مرا، بعد کتاب‌ها و بعد مصاحبه‌ها رو چک می‌کرد، فکر می‌کرد من هم مثل زنم دچار پارانویا و آزایمر شده‌ام.

از توی قوری برایم چایی ریخت. پله شد، انگار رمبید و با تحسین گفت: الان چه آرزویی دارید؟ دوست دارید همسرتان خوب شود، بعد او را به سوئدبیرید؟

–نفهمیدم از کجا فهمیده بود.می‌دانستم که آزایمر خوب شدنی نیست.

–نه، حرکت من انسانی است. من سه دهه از او حمایت کردم. خودش خواست که به خانه سالمندان برود. یک روز که حالش مساعد شده بود ششال و کلاه کرد و وسایلش را جمع کرد و رفت بی‌تنام کرد و با من تماس گرفت و گریه کرد. تو دیگه آزادی، برو دنبال کارت، من خیلی باید با کدماشمان تماس بگیرم.

اعتراض من فایده نداشت، رقتم را ر بیاورم ولی نتوانستم او را قانع کنم.

می‌گفت.من آن وقت‌ها می‌خواستم تو را از چنگ دوستانتم نجات دهم، با آن‌ها رقابت می‌کردم که آن‌ها را از رو ببرم، به مرور عاشقت شدم، ولی حالا دیگه تو خیلی مشهور شدی، تو دیگه مال مردم خودت هستی. از دست من کلافه بودی...چند سال اونو بردم سوئد ولی برگشت پیش بچه‌هایش.بچه‌هایش ازدواج کرده اند، او زیربار آن‌ها هم نمی‌رود.

با په یا کرد، بلند شد و به خانمی که پشت کامپیوتر نشسته بود گفت: نازنین زهرالون اتاق طرف کوه را به ایشان بدهید.

نازنین زهرا با حیرت به خانم بالابلندی که نامش مرضیه بود، نگاه کرد و بعد بلند شد آمد توی گوشش چیزی گفت که‌اگر اومد اعتراض کرد تو چه کار میکنی؟ رئیس هتل همه ما را اخراج می‌کند.

مرضیه پشتش به رئیس گرم بود. بعدا فهمیدم که رئیس هتل، چند بار از او خواستگاری کرده است ولی او زیربار نرفته است،چون او پسر همسر مادرش را دوست می‌داشت.

مرضیه با من به اتاقم آمد.گفتم: آخر من که هنوز وجه اتاق را نبرداختم...

نگران نباشید، ما افتخار می‌کنیم که شما به هتل ما آمده‌اید، این اتاق دو تخت دارد، اگر مایل بودید همسرتان را هم چندروزی اینجا بیاوریدمن از ایشان مراقبت می‌کنم به شرط آن که یکی دو تا از کتاب‌های زمان و ترجمه‌هایتان را برای من امضا کنید ...

خیلی خسته بودم،پنجره را باز کردم و به بالای قله نگاه کردم،به‌همانجا که گاهی با همسرم به آنجا می‌رفتمیم و چادر می‌زدیم.

لباس‌هایم را عوض کردم و زیر دوش رقتم، توی حمام دوستان نزدیک خود را چک کردم که اول باید با کدماشمان تماس بگیرم.

### قدیمی ترین سکونگاه دنیا را چه کسانی ساخته‌اند؟



نیست که آیا سازه‌های محوطه‌های آمینا در تمام طول سال مسکونی بوده یا فقط با اهداف دفاعی و حفاظتی استفاده می‌شدند.اما به نظر می‌رسد که حداقل در برخی از فصل‌هاین مکان محل سکونت یکی‌از جوامع شکارچی گردآورنده غرب سبیری بوده است.چندین دژ و استحکامات عصر سنگی دیگر نیز در این منطقه یافت شده است، اما هیچ کدام به اندازه محوطه آمینای اول قدمت ندارند.در اروپا تا قرن‌ها بعد،یعنی تا دوران پس‌از ابداع کشاورزی هیچ مکان مشابهی دیده نمی‌شود.تیم باستان‌شناسان نوشته‌اند:«ساخت استحکامات به دست گروه‌های خوراکجو از دوران ماقبل تاریخ به بعد گهگاهی به‌طور پراکنده در نقاط مختلف جهان.عمدتا در مناطق ساحلی مشاهده شده است.»اما آغاز بسیار اولیه این پدیده در داخل سبیری غربی به می‌ماند است.»محل قرارگیری سازه‌ها در محوطه آمینای اول با رنگ نارنجی مشخص شده است.باستان‌شناسان از گذشته این‌طور می‌گویند که جوامع خوراکجو از نظر سیاسی و اجتماعی از پیچیدگی کافی برای ساخت بناهای ماندگار و دائمی که به دفاع و حفاظت نیاز دارند، برخوردار نبودند.
باین حال، تحقیقات جاری در دامغه آمینا و سایرگمان‌های باستان‌شناسی در سراسرجهان نشان می‌دهد که کشت محصولات زراعی و پرورش حیوانات به‌تنهایی انگیزه چنین فعالیت‌هایی نیست.به‌عنوان مثال، گوپکلی تپه در ترکیه امروزی یک مجموعه سنگی عظیم است که قدمتش به حدود ۱۱هزارسال پیش بازمی‌گردد.این بنا پیش‌از ظهور کشاورزی ساخته شده و عنوان قدیمی‌ترین سازه خرسنگی شناخته‌شده در جهان را به خود اختصاص داده است.به نظر می‌رسد که یک گروه شکارچی گردآورنده برای وداع با مردگان یا برگزاری مراسمات خاص مذهبی دراین مکان جمع می‌شد.باستان‌شناسان در محوطه آمینا نیز خربشته‌های مشابهی به‌نام«خولمی» را یافته‌اند که به‌عنوان«ساختمان‌های آیینی بزرگمقاس در چشم‌انداز» توصیف می‌شود.محققان گمان می‌کنند تغییرات اقلیمی در زمانی حدود هشت هزار سال پیش، زمینه را برای فراوانی منابع فصلی در سبیری غربی مساعد کرد و باعث هجوم مهاجران انسانی شد.سپس، پیشرفت‌شگردهای ماهیگیری، شکار و روش‌های ذخیره‌سازی موادغذایی احتمالاً به مازاد منابع و نیاز به دفاع از ذخایر منجر شد.همچنین، ممکن است ازدحام جوامع مختلف شکارچی گردآورنده در یک منطقه به ترویج فرهنگ حمله و دستبردختم شده باشد.محققان می‌گویند:«مدیریت مازادها به ایجاد تغییراتی در ساختارهای سیاسی اجتماعی این جوامع و ظهورنابرابری در ثروت، مالکیت انحصاری و افزایش انسجام جامعه از طریق فعالیت‌های دسته‌جمعی و استفاده از سازه‌های ماندگار منجر شد.»

## دریچه



دارو کستیهوس - مکزیک

## روزنامه‌ها

دوش دور از رویت ای جان جانم از غم تاب داشت
ابر چشمم بر رخ از سودای دل سیلاب داشت
در تفکر عقل مسکین پایمال عشق شد
با پریشانی دل شوریده چشم خواب داشت
کوس غارت زد فراقت گرد شهرستان دل
شعنه عشقت سرای عقل در طباطب داشت
نقش نامت کرده دل محراب تسبیح وجود
تا سحر تسبیح گویان روی در محراب داشت
دیدام می‌جست و گفتندم نبینی روی دوست
خود درفشان بود چشمم کاندز او سیماپ داشت

## مجازها

● چند شب پیش داشتم با مادرم درباره‌ی این صحبت میکردم که حدودا هیچ کادویی هیچوقت واقعا خوشحالم نمیکند، چون همیشه می‌گفتید «سهراب خیلی پسر خوبیه، قانع. هیچوقت چیز زیاد نمی‌خواد از ما» و خب منم در خواست نکردن رو ارزش می‌دیدم... هیچوقت نمی‌گفتم چی می‌خوام، تمام چیزهایی که میخواستیم و نرسیدم بهشون به عنوان به کودک، جمع شد و درونم به گودال سیاه ساخت. حالا هرکی هرچی بده بهم، این چاه می‌لمعه و حس رضایت تولید نمیشه. اون کودک درون من هنوز خیلی وقتا دلش چیزهای کودکانه میخواد، ولی انگار تا خودم با دستای خودم بهشون نرسم واسم رضایت‌بخش نیست. (Dehghan)

● ترجیح میدم آهنگ‌های خواننده مورد علاقه رو تو ماشین یا به مکانی که لذت می‌برم با صدای بلند گوش بدم، چون با کیفیت خوب، ولی خداتومن ندم برم کنسرت با به کیفیت افتضاح و فالش خونی و پلی بک و خارج خوانی و قتم رو هدر بدم. (علیرضا باشم خوبه)

● نصف آدمایی که باهاشون در ارتباط بودم دیکه بهم پیام نمیدن و کم‌رنگ شدن. چرا؟ چون حالشون با کمک من بهتر شده و حالا دیکه بهم نیازی ندارن. گذروندن خوشی‌هاشون با بقیه حال میده، با آدمای کمتر رنج دیده. من فقط برای تخلیه افکار منفی و حضور در بدبختیا و درک کردن غم وجودشون به کار میام. (استووی)

● اگه دماغم رو عمل کنم، باشگاه برم، بیشتر با آدم‌ا حرف بزنم، بیشتر میکاپ کنم، به فاند خوب بگرم، با به آدمی که وجهی اجتماعی خوبی داره برم تو رابطه، خوشحال میشم؟ کافی میشم؟ یا تازه اون‌موقع قراره بفهمم که مشکل از جای دیگه است؟ چرا الان نمی‌فهمم از کجاست؟

● به نظر تون وقتی از آدم‌ا دور میشسیم و رابطه‌مون کم‌رنگ یا قطع میشه، وقتی دوباره اون چیزی‌ای که با هم تجربه کرده بودیم رو انجام بدن یا به چیز کوچیک که یادآورمون باشه رو ببینن یادمون میفتن بگن آخی فلائی یادش بخیر؟. (Noura)

## تغییرات

### درمان مؤثر تر بیماری سل با نانوذرات پُر شده با آنتی‌بیوتیک

محققان دانشگاه ایالتی سان‌پائولو به بررسی عملکرد نانوذرات پر شده با آنتی بیوتیک و سایر ترکیبات ضد میکروبی پرداختند. آن‌ها نشان دادند که این نانوذرات روی سلول‌های آلوده به باسیل که باعث سل می‌شود، اثربخش هستند. این فناوری کم‌هزینه که شامل نانوذرات پر از آنتی بیوتیک و سایر ترکیبات ضد میکروبی است، می‌تواند برای مقابله با عفونت باکتری‌های نظیر سل مورد استفاده قرار گیرد. نتایج این پروژه که توسط محققان در دانشگاه ایالتی سان‌پائولو (UNESP) در برزیل انجام شده، در قالب مقاله‌ای در نشریه mers به چاپ رسیده است. نتایج این مقاله نشان داده است که این راهبرد نانویی می‌تواند برای مقابله با مقاومت باکتریایی چند دارویی استفاده شود.

به گفته وزارت بهداشت برزیل، در سال ۲۰۲۲ حدود ۷۸۰۰۰مورد سل گزارش شده است که ۵۰درصد بیشتر از سال گذشته بوده و بیشتر از هر کشور دیگری در قاره آمریکاست. علاوه بر افزایش آمار مبتلایان، تعداد موارد مربوط به سویه‌های مقاوم در برابر چند دارویی نیز در حال رشد است. عامل اصلی این بیماری باسیلوس مایکوباکتریوم توبرکلوزیس، یکی از کشنده‌ترین باکتری‌های شناخته شده برای دانشمندان است. انتقال از طریق استنشاق باسیل رخ می‌دهد که به الونول‌های ریوی مهاجرت می‌کنند و باعث التهاب مجاری هوایی و در نهایت از بین بردن بافت ریه می‌شوند.

استفاده از فناوری نانو یکی از راهبردهای جدید درمانی است که دانشمندان را در سراسر جهان برای مقابله با این بیماری امیدوار می‌کند. این گروه نشان داد نانوذراتی شامل N- استیل سیستینین به همراه کیتوزان (یک ترکیب طبیعی در اسکلت بیرونی سخت‌پوستان)، یک پپتید ضد میکروبی که در اصل از پوست نوعی قورباغه برزیلی جدا شده و ریفامین (آنتی بیوتیکی که معمولا برای درمان سل استفاده می‌شود) می‌توانند به شکل مؤثری در درمان سل به کار روند.

به نقل از ستاد نانو، نتایج نشان داد که نانوذرات به طور قابل توجهی از پیشرفت بیماری جلوگیری می‌کنند و مقاومت در برابر دارو را بدون ایجاد آسیب سلولی رفع می‌کنند. به گفته محققان این پروژه، داروی ریفامین به تنهایی برای مقابله با برخی از گونه‌های باسیل، منسوخ شده است. این سامانه جدیدی که محققان ارائه کرده‌اند، می‌تواند اثربخشی بالاتری داشته باشد.